

بحث منادی

بحث مقدماتی: معرفه و نکره (پایه یازدهم، درس چهارم)

اولاً این بحث از مباحث تحلیل الصرفی (تجزیه) می باشد و زیر مجموعه اسم است، افعال و حروف معرفه و نکره ندارند.

تعریف معرفه: اسمی است که شناخته شده و مشخص باشد:

۱- اسم های عَلَم: اسم اشخاص: علی، حسن، حسین و... اسم شهرها و کشورها: تهران، ایران و...

۲- اسم «أَل» دار: که به آن معرفه به «أَل» می گویند: الطالب، الكتاب، الرجل و... این معارف به هیچ وجه تنوین نمی گیرند.

نکره: اسمی است که نامشخص و نامعلوم است: نشانه آن تنوین می باشد، یعنی اسم نکره غالباً تنوین می گیرد:

ـَ - ـُ : طالباً طالبٌ

در ترجمه اسم نکره، از «ی» یا «یک» یا هر دو استفاده می کنیم.

جاء طالبٌ: دانش آموزی آمد - یک دانش آموز آمد - یک دانش آموزی آمد

اقسام منادی

۱- منادای مفرد

اقسام منادای مفرد:

الف: عَلَم - ب: نکره ی مقصوده، - ج: مَن - د: با اِيْهَا وَاَيْتُهَا

۲- منادای مضاف

توضیح:

۱- منادای مفرد: منظور از منادای مفرد، این نیست که این نوع منادا همیشه مفرد می آید و مثنی و جمع ندارد، همانطور که خواهیم دید، در بعضی موارد، این نوع منادی، مثنی و جمع هم دارد، بلکه منظور از مفرد بودن این است که این نوع منادا بصورت مضاف نمی آید. مفرد بودن در مقابل مضاف است.

منادای مفرد خودش بر دو قسم است، ۱- منادای مفردی که اسم بدون «أل» دار را مورد ندا قرار می دهد .

۲- منادای مفردی که اسم با «أل» دار را مورد خطاب قرار می دهد.

الف: منادای عَلم:

یعنی یک اسم خاص انسان یا حیوان، یا شهر مورد ندا و خطاب قرار گیرد،

یا یوسف، یا ایران، یا خراسان، یا محمد، یا علی، یا داود، یا الله = همه این ها منادای علم و مبنی بر ضم و محلا منصوب هستند.

اللَّهُمَّ:

گاهی اوقات در «یا الله» حرف ندا حذف می شود و به جایش به آخر «الله» میم تشدید دار، فتحه دار - اضافه می شود.

یا + الله = الله + م = اللهم = منادای علم مبنی بر ضم و محلا منصوب

ب: منادای نکره ی مقصوده (نکره خاص):

گاهی اوقات بعد از حرف ندا، حرف نکره ای می آید که تنوین ندارد و بعدش هم صفتی واقع نشده باشد. به این نوع نکره، نکره مقصوده می گویند: یعنی نکره ای که مورد توجه و قصده واقع شده است، به همین خاطر تنوین نمی گیرد. این نوع منادا نیز مبنی بر ضم و محلا منصوب است:

نکره مفرد: یا رجل، یا رحمان، یا طالب، یا مومن، یا رجال، یا مومنات، یا مسلمات = منادای نکره و مبنی بر ضم و محلا منصوب

نکره مثنی: یا رجلاً، یا طالبان، یا مومنان = منادای نکره و مبنی بر ضم و محلاً منصوب (میتوانید بگید مبنی بر «ا» و محلاً منصوب)

نکته: در مثنی بجای ضمه «ا» در «ان» می آید.

نکره جمع مذکر سالم: یا مومنون، یا مسلمون، یا معلمون، یا مدرسون: منادای نکره، مبنی بر ضم (مبنی بر «و») و محلاً منصوب

نکته: در جمع مذکر سالم بجای «و»، «و» در «ون» می آید.

نکته خیلی مهم:

هرگاه اسم نکره بعد از حرف ندا «تتوین» بگیرد و یا بعدش یک صفت بیاید، در آنصورت، اعرابش، منصوب به همان تتوین نصب - خواهد بود؛ دیگر مبنی بر ضم و محلاً منصوب نخواهد شد.

یا رجلاً: منادای مفرد نکره و منصوب

یا رجلاً حکیماً: رجلاً منادای مفرد نکره و منصوب

یا ملکاً یحب العلماء: ای پادشاهی که دانشمندان را دوست دارد.

ملکاً: منادای مفرد نکره و منصوب یحب العلماء: جمله وصفیه و محلاً منصوب

منادا با «مَن» موصوله

گاهی کلمه «مَن» مورد ندا قرا می گیرد، که این نیز مبنی بر ضم و محلاً منصوب است و ما در عربی سه

نوع «مَن» داریم، الف: «مَن» موصوله ب: «مَن» استفهامیه ج: «مَن» شرطیه

این «مَن» که مورد ندا قرا می گیرد، «مَن» موصوله می باشد و جمله مابعدش صله هست. (اینها نکات تجزیه ای می باشند) مثال:

خودآزمایی ص ۶۶ درس ۵: یا مَن ستر القبیح: مَن: منادای مفرد و مبنی بر ضم و محلاً منصوب

سَتَرَ الْقَبِيحَ: صله موصول، محلی از اعراب ندارد،

یا مَنْ إِسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ :

مَنْ: منادای مفرد و مبنی بر ضم و محلا منصوب

إِسْمُهُ دَوَاءٌ: صله موصول، محلی از اعراب ندارد،

نکته: همه این اقسام منادای مفرد، در صورتی هست که «أل» نداشته باشد، ولی اگر آن اسمی را که میخواهیم مورد ندا قرار دهیم، «أل» داشته باشد، به این صورت مورد ندا قرار می دهیم:

منادای با «أَيْهَا» و «أَيْتُهَا»:

هرگاه بخواهیم اسمی را که «أل» دارد، مورد ندا قرار دهیم، از «أَيْهَا» و «أَيْتُهَا» استفاده می کنیم. در صورتی که اسم دارای «أل» مذکر باشد، از «أَيْهَا» و در صورتی که اسم دارای «أل» مؤنث باشد، از «أَيْتُهَا» استفاده می کنیم.

نکته مهم: در «أَيْهَا» و «أَيْتُهَا» فقط خود «أَيْ» و «أَيْتُ» منادای مفرد هستند و مبنی بر ضم و آن «ها» که به آخر آنها چسبیده است، «ها» ی تنبیه و زائده می باشد.

یعنی در تجزیه آن «ها» باید بنویسیم: حرف تنبیه و زائده.

مثال برای مذکرها:

یا أَيْهَا الطَّالِبُ = یا: حرف ندا، «أَيْ»: منادای نکره و مبنی بر ضم و محلا منصوب، الطَّالِبُ: چون مشتق است (اسم

فاعل) صفت و مرفوع

أَيْهَا الرَّجُلُ: یا: حرف ندا، «أَيْ»: منادای نکره و مبنی بر ضم و محلا منصوب، الرَّجُلُ: چون مشتق نیست، عطف

بیان و مرفوع

یا **أَيُّهَا** الكافرون: یا: حرف ندا، «أَيُّ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب، الكافرون، چون مفردش کافر هست، مشتق(اسم فاعل) می باشد ونقش صفت ومرفوع

یا **أَيُّهَا** المؤمنون: یا: حرف ندا، «أَيُّ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب، المؤمنون: چون مشتق(اسم فاعل) است، صفت و مرفوع

یا **أَيُّهَا** الناس: یا: حرف ندا، «أَيُّ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب، الناس: چون مشتق نیست، اعرابش لازم نیست.

یا **أَيُّهَا** الانسان: یا: حرف ندا، «أَيُّ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب، الانسان نیز مثل الناس است.

یا **أَيُّهَا** الاولاد: یا: حرف ندا، «أَيُّ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب، الاولاد نیز مانند الناس و الانسان است.

مثال برای مونث ها

یا **أَيُّهَا** الطالبة: یا: حرف ندا؛ «أَيَّةُ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب؛ الطالبة: چون مشتق(اسم فاعل) است، صفت هست و مرفوع

أَيُّهَا النفسُ الْمُطْمَئِنَّةُ: یا: حرف ندا؛ «أَيَّةُ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب؛ النفسُ: چون مشتق نیست و جامد است، مرفوع است ولی نیازی به دانستن نقش آن نیست.

أَيُّهَا الامُّ: یا: حرف ندا؛ «أَيَّةُ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب؛ الامُّ: چون مشتق نیست و جامد است، مرفوع است ولی نیازی به دانستن نقش آن نیست.

أَيُّهَا النباتُ: یا: حرف ندا؛ «أَيَّةُ»: منادای نکره ومبنی برضم و محلا منصوب؛ النباتُ: مفردش: بنت، چون مشتق نیست و جامد است، اعرابش مرفوع است ولی نیازی به دانستن نقش آن نیست.

نکته مهم: اعراب اسم «أل» دار که بعد از «أَيْهَا» و «أَيْتُهَا» واقع می شود، اگر مشتق باشد(اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضیل، یا بروزن فعیل) باشد، نقش صفت را دارد و اعرابش مرفوع است، ولی اگر جامد باشد(مشتق نباشد)، نقش عطف بیان دارد که آن را نخوانده اید ولی باز اعرابش مرفوع است.

منادای مضاف

اقسام: ۱- مضاف به اسم ظاهر ۲- مضاف به ضمیر(مخصوصاً ضمیر متکلم)

۱- منادای مضاف به اسم ظاهر:

در این نوع منادای حرف ندای «یا» بر سر اسمی وارد می شود که آن اسم، به یک اسم ظاهر اضافه شده است؛ اسم ظاهر یعنی اسمی که ضمیر نباشد، مثل کتاب، مدرسه، طالب و....، و آن اسم مضافی که مورد ندا قرار گرفته است، می تواند مفرد یا مثنی و یا جمع(مذکر سالم، مونث سالم، مُکَسَّر) بیاید.

نکته ۱: منادای مضاف برخلاف منادای مفرد، مبنی نیست، بلکه معرب است و اعرابش منصوب است و نشانه نصب در هر کدام از موارد مفرد، مثنی، جمع مذکر سالم، جمع مونث سالم، جمع مُکَسَّر فرق دارد.

نشانه اعرابِ نصبِ منادای مضاف:(در صورتی که

۱- فتحه -؛ هرگاه اسم مضاف ما مفرد باشد، یا جمع مُکَسَّر باشد،:

یا **خَيْرَ** الغافرين: خیر: منادای مضاف و منصوب است به فتحه؛ الغافرين: مضاف الیه و مجرور به «ی»، چون در جمع مذکر سالم، نشانه جر «ی» در «ین» هست.

یا **عُلَمَاءَ** الدهر: علماء: منادای مضاف و منصوب به فتحه؛ الدهر: مضاف الیه و مجرور به کسره -

۲- کسره - بجای فتحه -؛ در جمع مونث سالم:

یا **مُسْلِمَاتِ** المدينة: مُسْلِمَات: منادای مضاف و منصوب به کسره -؛ المدينة: مضاف الیه و مجرور به کسره

۳- «ی» در «ین» در جمع مذکر سالم:

یا **مُسْلِمِی** العَالَمِ: منادای مضاف و منصوب به «ی»، در اصل مُسْلِمِین بوده، چون مضاف واقع شده، «ن» حذف گردیده است؛ العَالَمِ: مضاف الیه و مجرور به کسره

یا **طَالِبِی** الصَّفِّ: منادای مضاف و منصوب به «ی»، در اصل یا طَالِبِین بوده، چون مضاف واقع شده، «ن» حذف گردیده است؛ الصَّفِّ: مضاف الیه و مجرور به کسره

۴- «ی» در «-ین» در اسم مثنی:

یا **مُؤْمِنِی** البیتِ: منادای مضاف و منصوب به «ی»، در اصل، یا مُؤْمِنِین بوده، چون مضاف واقع شده، «ن» حذف گردیده است؛ البیتِ: مضاف الیه و مجرور به کسره

نکته: هرگاه اسمی مضاف واقع شود،

اگر اسم، مفرد یا جمع مُکَسَّر یا جمع مونث سالک باشد، در صورتی که «أل» یا «تنوین - - -» داشته باشد، «أل» یا «تنوین - - -» حذف می شوند. الطالبُ = طالب المدرسة : «أل» حذف شده است.

طَلَّابٌ = طلابُ المدرسة : تنوین - حذف گردیده است.

اگر اسم، مثنی یا جمع مذکر سالم باشد، «ن» آخر کلمه حذف می شود. اگر هم «أل» داشته باشند، «أل» نیز حذف می شود: الْمُؤْمِنُونَ = مؤمنو العالم: در «مؤمنو» هم «ن» آخر کلمه و هم «أل» حذف شده است.

المؤمنان: مؤمنَا البیتِ : در «مؤمنَا» هم «ن» آخر کلمه و هم «أل» حذف شده است.

نکته مهم: اگر «ن» جزو حروف اصلی کلمه باشد حذف نمی گردد، به شرطی که «ن» جمع مذکر سالم یا مثنی باشد حذف می شود.

قاعده کلی: اسمی که مضاف داشته باشد، به هیچ وجه «أل» یا «تنوین - - -» و «ن» جمع مذکر و مثنی قبول نمی کند.

۵- «ا» (الف) در اسم هایی مثل «أب، أخ، ذو»:

این اسم‌ها هرگاه بخواهند به اسم ظاهر اضافه بشوند، در حالت نصب «ا» (الف)، می‌گیرند:

یا ذا لجلال و الاکرام: ذا: منادای مضاف و منصوب به «ا» (الف)، الجلال: مضاف الیه و مجرور

یا ابا صالح المهدي: ابا: منادای مضاف و منصوب به «ا» (الف)، صالح: مضاف الیه و مجرور

یا ابا عبدالله: ابا: منادای مضاف و منصوب به «ا» (الف)، عبد: مضاف الیه و مجرور

یا اخا المسلمين: اخا: منادای مضاف و منصوب به «ا» (الف)، المسلمين: مضاف الیه و مجرور به «ی»

منادای مضاف به ضمیر:

یکی از ضمایری که منادا به آن اضافه می‌شود، «یاء متکلم» است و یکی دیگر ضمیر «نا» است و ضمایر

دیگر، اما این دو ضمیر مشهورتر هستند.

توضیح: «یاء متکلم» همان معنای «مَنْ یا مَم» فارسی می‌دهد، مثلاً می‌گوییم:

أبی یعنی پدر من، پدرم، کتابی: یعنی کتابم، کتاب من؛ به این «ی» «یاء متکلم» می‌گویند.

حال گاهی اسمی که منادا واقع شده، به این «ی» «یاء متکلم» اضافه می‌شود:

یاربّی: ربّ: منادای مضاف به «ی» «یاء متکلم» و منصوب؛ «ی» «متکلم» مضاف الیه و مجرور محلاً، چون

مبنی است.

یاأبی: أب: منادای مضاف به «ی» «یاء متکلم» و منصوب؛ «ی» «متکلم» مضاف الیه و مجرور محلاً، چون

مبنی است.

یاأختی: أخت: منادای مضاف به «ی» «یاء متکلم» و منصوب؛ «ی» «یاء متکلم» مضاف الیه و مجرور محلاً،

چون مبنی است.

یا الهی: إله: منادای مضاف به «ی» «یاء متکلم» و منصوب؛ «ی» «یاء متکلم» مضاف الیه و مجرور محلاً،

چون مبنی است.

یا قومی: قوم: منادای مضاف به «ی» («یاء متکلم») و منصوب؛ «ی» («یاء متکلم») مضاف الیه و مجرور محلا، چون مبنی است.

یا بُنَى: بُن: منادای مضاف به «ی» («یاء متکلم») و منصوب؛ «ی» («یاء متکلم») مضاف الیه و مجرور محلا، چون مبنی است.

نکته: گاهی «ی» («یاء متکلم») حذف می شود، و به جای «ی» منادا کسره- می گیرد؛ اما اعراب آن هیچ تغییری نمی کند و همان است.

یا رَبِّ: منادای مضاف به «ی» («یاء متکلم») محذوف و منصوب؛ کسره به جای «ی» آمده است. (در اصل یا رَبِّ بوده است)

یا قوم: منادای مضاف به «ی» («یاء متکلم») محذوف و منصوب؛ کسره به جای «ی» آمده است. (در اصل یا قومی بوده است)

یا عباد: منادای مضاف به «ی» («یاء متکلم») محذوف و منصوب؛ کسره به جای «ی» آمده است. (در اصل یا عبادی بوده است).

نکته: گاهی حرف ندای «یا» نیز حذف می شود و به این صورت می آیند:

عباد - قوم - رب

منادای مضاف به ضمیر «نا»:

یا رَبَّنَا: رَبَّنَا: منادای مضاف به «نا» و منصوب به فتحه؛ «نا» مضاف الیه و مجرور محلا، چون مبنی است.

در اینجا هم گاهی اوقات یا حرف ندا حذف می شود و بصورت «رَبَّنَا» می آید که اعراب و ترکیبش همان است.

یا إِلَهِنَا: إِلَه: منادای مضاف به «نا» و منصوب به فتحه؛ «نا» مضاف الیه و مجرور محلا، چون مبنی است.

نکته: حذف حرف ندا

در منادای مضاف به ضمیر («ی»، «نا» و هر ضمیر دیگر)، گاهی اوقات یا حرف ندا حذف می شود و بصورت «رَبَّنَا» یا «الْهِنَا» می آید که اعراب و ترکیبش همان است.

در منادای عَلم نیز گاهی اوقات، حرف ندا حذف می شود:

یوسفُ أَعْرِضْ عَن هَذَا: در «یوسفُ» حرف ندای «یا» حذف شده است، ولی «یوسفُ» باز منادای علم و مبنی بر ضم می باشد.

نکته خیلی مهم:

گاهی اوقات اسم مثنی یا جمع مذکر سالم به «ی» (یاء متکلم) اضافه می شوند، در این صورت، منادای مضاف و منصوب به «ی» (یاءِ مثنی یا جمع خواهند بود:

یا مُعَلِّمِي: در اصل یا + مُعَلِّمِينَ + ی متکلم بوده است = چون «مُعَلِّمِينَ» مثنی هست و مضاف واقع شده، لذا «ن» مثنی حذف می شود و «ی» (یاءِ مثنی) مثنی در ی متکلم ادغام می شود و تشدید می گیرند:

یا مُعَلِّمِي + ی متکلم به این صورت در می آید: یا مُعَلِّمِي: منادای مضاف به «ی» (یاء متکلم) و منصوب به «ی» (یاءِ مثنی)

یا مُعَلِّمِي: در اصل یا + مُعَلِّمِينَ + ی متکلم بوده است = چون «مُعَلِّمِينَ» جمع مذکر سالم هست و مضاف واقع شده، لذا «ن» جمع حذف می شود و «ی» (یاءِ جمع) در ی متکلم ادغام می شود و تشدید می گیرند:

یا مُعَلِّمِي + ی متکلم به این صورت در می آید: یا مُعَلِّمِي: منادای مضاف به «ی» (یاء متکلم) و منصوب به «ی» (یاءِ جمع مذکر سالم)

نحوه تشخیص اینکه مثنی یا جمع مذکر سالم در منادای مضاف به ی متکلم (این نکته در تجزیه مورد نیاز هست که تشخیص بدهیم، اسم مورد نظر مثنی هست یا جمع)

اگر قبل «ی» فتحه - بیاید «یا مُعَلِّمٍ»، اسم مضاف، مثنی می باشد، و اگر کسره - «یا مُعَلِّمٍ» بیاید، اسم مضاف جمع مذکر سالم می باشد.